

مفهوم و ماهیت جرم سوداگری^۱ انسان در اسناد فراملی، حقوق ایران و آلمان

محسن عینی*

استادیار گروه حقوق دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

پذیرش: ۹۰/۶/۳۰

دریافت: ۸۹/۱۱/۲۹

چکیده

سوداگری انسان، فرایندی است شامل رفتارهای مختلف مجرمانه که بر تجارت انسان به منظور بهره‌کشی از او استوار است. پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات سوداگری اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان (پروتکل پالرمو)، جرم سوداگری انسان را که با دخالت گروه‌های جنایی و به قصد تحصیل منافع مادی و مالی و معمولاً با عبور از مرز کشورها انجام می‌گیرد، «سازمان‌یافته» و «فرامرزی» می‌داند؛ ولی در حقوق آلمان و کنوانسیون اقدام علیه سوداگری انسان شورای اروپا (کنوانسیون ورشو)، جرم مزبور ماهیتاً سازمان‌یافته نیست. کنوانسیون ورشو، جرم سوداگری انسان را به دلیل آن‌که حقوق اساسی بشر، مثل حق انتخاب را نادیده می‌گیرد صریحاً نقض حقوق بشر قلمداد کرده است و همزمان تکالیفی را برای حمایت از بزهدیدگان توسط دولت‌ها مقرر کرده است. در آلمان، جرم سوداگری انسان، شامل همه اشکال بهره‌کشی جنسی و کار و همچنین سوداگری داخلی و فراملی است و قوانین آلمان با پیروی از آموزه‌های حقوق بشری، تدابیر حمایتی از بزهدیدگان را پیش‌بینی کرده‌اند. در ایران قانون موسوم به «مبارزه با قاچاق انسان»، جرم سوداگری انسان را اصولاً سازمان‌یافته تعریف نکرده و آن را با عبور از مرز محقق می‌داند. شایسته است قانونگذار ضمن اصلاح قانون، جرم سوداگری انسان را شامل همه اشکال سوداگری داخلی و

Email: mohsen.eini@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. نظر به ارتباط این جرم با تجارت انسان و این‌که در برخی زبان‌ها همچون زبان عربی، برای معادل عبارت «human trafficking» از کلمات مترادف با تجارت و داد و ستد انسان، مثل عبارت عربی «الاتجار بالبشر» استفاده می‌شود و همچنین با توجه به این‌که در ادبیات پارسی کلمه قاچاق بیشتر برای اجناس و اموال استعمال شده، سزاوار است در ادبیات قانونی و حقوقی ایران برای تمام فرایند مربوط به این جرم، به جای اصطلاح قاچاق انسان از «سوداگری انسان» استفاده شود و به همین دلیل در این مقاله از عنوان مزبور نیز استفاده کرده‌ایم.



فراملی آن کند و سازمان یافتگی را موجب تشدید مجازات مرتکبین قرار دهد. همچنین متأثر از آموزه‌های اسلامی و حقوق بشری از بزه‌دیدگان حمایت کند و با الحاق به کنوانسیون جرم سازمان‌یافته فراملی و پروتکل پالمو، همکاری با سایر کشورها برای مبارزه با سوداگری انسان را آشکارتر کند.

کلید واژه‌ها: سوداگری انسان، بهره‌کشی جنسی و کار، جرائم سازمان‌یافته، بزه‌دیده، جرائم فرامرزی

۱. مقدمه

سوداگری انسان، جرمی است که در فرایند ارتکاب آن با نقض برخی حقوق اساسی بزه‌دیده، شأن و حیثیت انسانی نادیده گرفته می‌شود. جرم مزبور آمیخته با تهدید و خشونت یا فریب است و گاه با جرائمی مانند پولشویی، آدم‌ربایی و تجاوز به عنف مرتبط است. این جرم به جنسیت خاص و جغرافیای سیاسی معینی محدود نمی‌شود و اگرچه بیش‌تر بزه‌دیدگان آن زنان هستند [۱، ص ۳۲۹]، اما نوع انسان موضوع آن است. از سوی دیگر، سوداگری انسان موضوعی است که محل تلاقی حقوق بشر، حقوق کیفری، حقوق مهاجرت و حقوق کار است و این وجوه چندگانه، تنظیم سیاست جنایی سنجیده و جامع در مورد آن را مشکل می‌کند. عوامل کششی و رانشی گوناگونی، چون جهانی شدن و جهانی‌سازی اقتصاد، تضعیف مرزهای سیاسی بین کشورها و تسهیل رفت و آمدها، فقر و نابسامانی اقتصادی، ساختارهای نامناسب اجتماعی و سیاسی، حاکمیت فرهنگ خشونت، سیاست‌های تعدیل اقتصادی، تبعیض‌های ناروا نسبت به برخی از شهروندان در کشورهای مبدأ قاچاق، سود سرشار برای مرتکبان و تقاضا برای خدمات جنسی یا کار ارزان، توریسم جنسی و... بسترهای مناسبی را برای وقوع این جرم فراهم کرده‌اند [۲، ص ۹۵-۹۶؛ ۳، ص ۱۴۴].

آمار دقیقی از میزان شیوع این جرم در جهان ارائه نمی‌شود و آمارهای موجود به استناد شکایت‌ها به پلیس و مراجع صالح یا محکومیت‌های کیفری است. برخی میزان آن را حدود ۲/۵ میلیون نفر در دنیا تخمین می‌زنند [۴، ص ۲۲۹]. براساس اعلام یورپل، سالانه صدها هزار بزه‌دیده این جرم به کشورهای اروپایی به منظور بهره‌کشی جنسی و کار وارد می‌شوند [۵، ص ۳]. وزارت کشور آمریکا گزارش می‌کند که سالانه حدود ۸۰۰/۰۰۰ هزار بزه‌دیده با عبور از مرزها قاچاق می‌شوند [۶، ص ۱۶۵۸] و ۱۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ آن‌ها به آمریکا وارد می‌شوند [۷، ص ۱۰۸]. آلمان نیز یکی از کشورهای مقصد است که براساس تخمین‌ها سالانه حدود

۱۵۰۰۰ نفر و نزدیک به نیمی از آن‌ها به طور قانونی وارد آن می‌شوند [۸، ص ۵ و ۱۷]. بیش از ۹۰ درصد بزهدیدگانی که از سایر کشورها وارد آلمان می‌شوند زن هستند و بیش‌تر آن‌ها مجرد بوده، متوسط سن آن‌ها ۲۳ سال است [۹، ص ۱۴]. بیش‌تر گزارش‌ها مربوط به بهره‌کشی جنسی است؛ چنان‌که در سطح جهانی، ۹۸ درصد منابع به بهره‌کشی جنسی و فقط ۳۲ درصد منابع به بهره‌کشی کار اشاره می‌کنند [۱۰، ص ۸۰].

سازمان بین‌المللی کار سود سالیانه جهانی از سوداگری انسان در بهره‌کشی جنسی تجاری را حدود ۲۸ میلیارد دلار ارزیابی می‌کند [۱۱، ص ۱۵] که منافع آن بیش‌تر از سود قاچاق مواد مخدر است [۱۲، ص ۲۲۸]. محققان افزایش بزهدیدگان از آمار رسمی دولت‌ها [۱۳، ص ۱] و رشد فزاینده سوداگری انسان به‌ویژه زنان را تأیید می‌کنند [۴، ص ۲۲۹؛ ۸، ص ۱۴؛ ۱۴، ص ۳۱].

پیامدهای نگران‌کننده سوداگری انسان و نقض حقوق انسانی بزهدیدگان موجب شد، دولت‌ها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر برای مبارزه با آن و حمایت از بزهدیدگان جرم و تمهید همکاری پلیسی و قضایی دولت‌ها در این مورد به تنظیم اسناد فراملی مبادرت کنند که پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات سوداگری اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان موسوم به «پروتکل پالمو» و تکمیل‌کننده کنوانسیون ملل متحد علیه جرم سازمان‌یافته فراملی مصوب ۲۰۰۰ از مهم‌ترین آن‌ها است. پس از آن و در اروپا تصمیم راهبردی راجع به مبارزه با سوداگری انسان مصوب ۲۰۰۲ و پس از آن، کنوانسیون اقدام علیه سوداگری انسان شورای اروپا در سال ۲۰۰۵ تصویب شد. طرح دستورالعمل آوریل ۲۰۱۰ در مورد پیشگیری و مبارزه با سوداگری انسان و حمایت از بزهدیدگان، آخرین تحولی است که تصویب آن، تصمیم راهبردی مزبور را نسخ و جایگزین آن می‌شود [۱۵، ص ۲]. به علاوه باید از دهه‌ها تصمیم و طرح و اقدام یاد کرد که برای مبارزه مؤثرتر علیه سوداگری انسان تدوین و اجرا شده است. روح حاکم بر اسناد و تصمیمات فراملی و منطقه‌ای، اهتمام بر اجرای چند راهبرد است که عبارتند از: جرم‌انگاری، پیشگیری، حمایت از بزهدیدگان جرم و همکاری دولت‌ها در مبارزه مؤثر با جرم سوداگری انسان. برخی از نویسندگان بر این باورند که مبارزه با سوداگری انسان بر سه امر استوار است: پیشگیری^۱، تعقیب^۲، حمایت^۳ [۱۶، ص ۲۰۶؛ ۸، ص ۵].

1. prevention
2. prosecution
3. protection



بسیاری از کشورها تحت تأثیر اسناد فراملی و برای پرهیز از پیامدهای دهشتناک سوداگری انسان، با جرم‌انگاری رفتار مزبور به مبارزه با آن برخاسته‌اند [۱۷، ص ۲۲]؛ چنان‌که در اروپا تا سال ۲۰۰۹، همه کشورها بجز استونی اقدام به وضع قانون کرده‌اند [۱۸، ص ۵]. در ایران تحت تأثیر آموزه‌های فقه اسلامی و پیروی ناکافی از پروتکل پالمو، قانون موسوم به مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ تصویب شد که پیشرفتی ناقص و قابل نقد به نظر می‌رسد؛ زیرا پیکار مؤثر دولت‌ها با سوداگری انسان، با اهتمام به اجرای تمامی راهبردهای ذکر شده، و نه فقط جرم‌انگاری سامان می‌یابد.

موضوع سوداگری انسان به واسطه قلمرو وسیع و ابعاد ناپیدایش و همزمان اعتبار یافتن اسناد و تصمیمات جدید، موضوعی بدیع و نیازمند تحقیق بیش‌تر است. به همین علت در زمانی که نویسنده در مؤسسه ماکس پلانک آلمان به تحقیق درمورد سوداگری انسان مشغول بود، سه محقق از کشورهای چین، هند و آفریقای جنوبی نیز پیرامون آن تحقیق می‌کردند. رسانه‌ها نیز در سطح جهان و در هر ماه به طور متوسط ۱۵ تا ۲۵ مقاله پیرامون سوداگری انسان گزارش می‌کنند [۱۲، ص ۲۰۰]. در آلمان مؤسسه آلمانی برای حقوق بشر در سال ۲۰۰۹ نتیجه تحقیق خود درمورد سوداگری انسان را منتشر کرد و در سال ۲۰۰۸ نیز طرح تحقیقاتی سه ساله‌ای را در این خصوص آغاز کرده است [۸، ص ۷].

یکی از موضوعات درخور تحقیق، مفهوم و ماهیت جرم سوداگری انسان است که تنوع و تحول اسناد فراملی و تفاوت‌ها و اقتضائات نظام‌های حقوقی در این مورد، بر پیچیدگی‌های آن افزوده است. این مقاله با رویکردی تطبیقی می‌کوشد تا موضوعات مزبور را تبیین و به ارتقای ادبیات حقوقی در این مورد کمک کند و حسب مورد، ضمن اشاره به ضعف و کمبودهای قانون مربوط در ایران، پیشنهادهای مناسب را جهت وضع یا اصلاح قانون ارائه دهد.

۲. تعریف جرم سوداگری انسان: بررسی تأثیرپذیری حقوق آلمان و

ایران از اسناد فراملی

در ادبیات پارسی، کلمه قاچاق بیش‌تر برای کالاها و اجناس به کار رفته است [۱۹، ص ۵۱۱؛ ۲۰، ص ۲۰۶۷؛ ۲۱، ص ۵۴۴۳]؛ اما به تدریج اصطلاح «قاچاق انسان» که معادل آن در زبان

انگلیسی human trafficking. در زبان آلمانی der menschenhandel و در زبان عربی الاتجار بالبشر است و به‌ویژه به ماهیت نامشروع اقدام مرتکب در انتقال شخص، سوداگری و بهره‌کشی از او دلالت دارد، به ادبیات حقوقی پارسی راه یافت و پیشنهاد ما استفاده از عبارت «سوداگری انسان» به جای آن است.

پیش از این به واسطه برخی تردیدها، تعریف بین‌المللی واحدی در مورد سوداگری انسان وجود نداشت. مثلاً در مورد این‌که به بهره‌کشی جنسی محدود می‌شود یا شامل سایر اشکال دیگر بهره‌کشی هم می‌شود [۸، ص ۱۶] و این‌که اقدامات مقدماتی یا تکمیلی در راستای بهره‌کشی از دیگران نیز سوداگری انسان قلمداد می‌شود یا خیر تردیدهایی وجود داشت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ درصد روشن کردن مفهوم آن برآمد [۲۲، ص ۱۹ و ۲۰]؛ اما نهایتاً جامعه جهانی با هدف پیشگیری و مقابله با جرم سوداگری انسان و در راستای توجه به آموزه‌های حقوق بشر بزه‌دیده مدار، حمایت از بزه‌دیدگان و تشویق دولت‌ها به همکاری با یکدیگر، در ماده ۳/a پروتکل الحاقی به کنوانسیون جرم سازمان‌یافته در مقام تعریف این جرم برآمد و بسیاری از تردیدها را رفع کرد. پروتکل مزبور ضمن ارائه تعریفی موسع از این جرم [۲۳، ص ۱۷۵] به عناصری از جرم ذکر شده می‌پردازد که در مورد آن اجماع جهانی وجود دارد. ماده مزبور مقرر می‌دارد: از نظر این پروتکل، سوداگری انسان به معنای استخدام (به‌کارگیری)، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا دریافت اشخاص از راه تهدید یا اعمال زور یا سایر اشکال تحمیل، آدم‌ربایی، تقلب، فریب، سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت آسیب‌پذیری یا از طریق دادوستد یا منافع برای تحصیل رضایت شخصی که بر دیگری کنترل دارد، به منظور بهره‌کشی، بهره‌کشی حداقل شامل بهره‌کشی از روسپیگری دیگران یا سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری، بردگی یا اعمال (یا رویه‌های) مشابه بردگی، بندگی (بیگاری) یا برداشتن اندام‌ها است. تعریف مزبور به کمینه استانداردها توجه کرد؛ ولی همه ابهام‌ها را رفع نکرد. مثلاً پروتکل منظور خود از بهره‌کشی و به‌ویژه اصطلاح بهره‌کشی جنسی را روشن نمی‌کند و آن را به حقوق ملی کشورها وامی‌گذارد. وفق پروتکل، سوداگری انسان در پرتو سه عنصر قابل ارزیابی است: الف) رفتار، شامل استخدام، حمل و نقل، انتقال، مخفی کردن یا دریافت اشخاص؛ ب) وسیله، شامل تهدید، زور، اجبار و آدم‌ربایی، تقلب، فریب، سوءاستفاده از قدرت یا وضعیت آسیب‌پذیری یا دادن یا گرفتن وجه یا منافع برای به



دست آوردن رضایت شخصی که بر دیگری کنترل دارد؛ ج) هدف، شامل بهره‌کشی جنسی، کار یا سایر خدمات اجباری، بردگی، اعمال مشابه بردگی، بندگی و برداشتن عضو [۸، ص ۱۶-۱۷؛ ۲۴، ص ۳۰].

در سطح اروپا هم تلاش‌های بسیاری برای ارائه تعریفی روشن از سوداگری انسان انجام شد؛ چنان‌که در اجلاس شورای اروپا در شهر تامپری^۱ فنلاند در سال ۱۹۹۹ بر ضرورت تعریف مشترک و مجازات‌های مربوط به سوداگری انسان تصریح شد [۱۲، ص ۱۸۱-۱۸۲]. سیاست جنایی ده ساله اتحادیه اروپایی در مورد مبارزه با این جرم منتج به معاهداتی شد که متضمن دموکراسی، حقوق بشر و آزادی‌های فردی است و بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ این سیاست‌ها متحول و به تصمیم راهبردی ۲۰۰۲ شورای اروپا در مورد مبارزه با سوداگری انسان منجر شد [۱۲، ص ۱۸۰]. سند مزبور این جرم را تعریف کرد تا این‌که کنوانسیون اقدام علیه سوداگری انسان مصوب سال ۲۰۰۵ (کنوانسیون ورشو) ضمن تعریف کامل‌تر این جرم با رعایت دو اصل تناسب و تکمیل [۲۴، ص ۵۱]، سیاست مبارزه با سوداگری انسان و به‌ویژه حمایت از بزه‌دیدگان جرم را بهبود بخشید [۱۲، ص ۱۹۳]. کنوانسیون مزبور در ماده ۴/ا مبتنی بر اهداف کنوانسیون، سوداگری انسان را همانند تعریف مقرر در ماده ۳/ا پروتکل پالمو تعریف کرده است [۲۵، ص ۳۷]. به این ترتیب، اگرچه کنوانسیون مزبور نسبت به پروتکل تفاوت‌های ممتاز و روشنی در مورد حمایت از بزه‌دیدگان دارد، ولی هر دو سند، تعریف مشابهی را برای جرم سوداگری انسان پذیرفته‌اند؛ اما کنوانسیون ورشو صریحاً و در ذیل تعریف جرم، بزه‌دیده سوداگری انسان را به شرح ماده ۴/ع تعریف و مقرر می‌دارد: «بزه‌دیده به معنای هر شخص حقیقی موضوع سوداگری انسان است که در این ماده مقرر شد».

در کشور آلمان که تحت تأثیر مقررات اتحادیه اروپا است [۱۲، ص ۱۷۷] به موجب ماده ۱ و ۲ قانون اساسی، حیثیت انسانی و آزادی‌های فردی همه اشخاص تضمین می‌شود و آزادی‌های فردی فقط به موجب قانون محدود می‌شود. مردم آلمان حقوق بشر را به عنوان اساس هر جامعه و صلح و عدالت را برای تمام دنیا تأیید می‌کنند. بنابراین، آلمان، بردگی و کار اجباری و بهره‌کشی جنسی را نقض حقوق اساسی همه اشخاص مقیم در آلمان می‌داند. همچنین ماده ۱۲ قانون اساسی آلمان، به آزادی تصرف و منع کار اجباری تصریح کرده است. این اصول

1. Tampere

نه تنها مربوط به شهروندان آلمان، بلکه متعلق به همه افراد مقیم در آلمان است. حق زندگی، آزادی، تمامیت بدنی و حمایت در مقابل کار اجباری، اصولی هستند که نظم اجتماعی جمهوری فدرال آلمان را می‌سازند. این اصول اولیه دموکراسی در تعارض با نظم اجتماعی و سیاسی رایش سوم است [۱۲، ص ۱۷۷-۱۷۸]. حسب اصول و ارزش‌های مزبور در کشور آلمان، جرم سوداگری انسان به موجب اصلحیه ۲۶ قانون جزایی در ماده ۱۸۰ (سوداگری ساده انسان) و ۱۸۱ (سوداگری انسان با کیفیات مشدد) پیش‌بینی شد. در قانون مزبور، سوداگری انسان به شکل محدود و فقط شامل سوداگری به منظور بهره‌کشی جنسی (روسپیگری یا اعمال جنسی نامشروع) بود. جرم مزبور زیر مجموعه جرائم جنسی و از جرائمی معرفی شد که خود مختاری جنسی را نقض می‌کند [۲۶، ص ۱۶۹-۱۷۱].

اما اقدامات اتحادیه اروپا در مبنای مبارزه با سوداگری انسان در آلمان نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. طرح‌های عمل مشترک و اقدامات کمیسیون‌های اروپایی بر ضد سوداگری انسان، تأثیرات زیادی بر سیاست جنایی این کشور در زمینه مبارزه با سوداگری انسان گذاشته است. آلمان تصمیم راهبردی مصوب ۲۰۰۲ شورای اروپا را به اجرا در آورده و کنوانسیون ورشو را نیز در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۵ امضا، ولی هنوز تصویب نکرده [۱۲، ص ۱۹۴]، اما با توجه به امضای اسناد اشاره شده، در کشور آلمان تغییرات قابل توجهی در مورد سوداگری انسان واقع گردیده است؛ چنان‌که با اصلاحات سی و هفتم قانون جزایی آلمان در سال ۲۰۰۵ مفهوم جرم توسعه یافته است و سوداگری نه تنها به منظور بهره‌کشی جنسی، بلکه به منظور بهره‌کشی از کار و خدمات دیگران نیز همچون تشویق به این اقدامات به عنوان سوداگری انسان معرفی شده است [۲۷، ص ۱۱۲-۱۱۳]. پس از این با پذیرش عنوان جرائم علیه آزادی‌های فردی مواد ۲۳۲ (سوداگری به منظور بهره‌کشی جنسی)، ۲۳۲ (سوداگری به منظور بهره‌کشی از کار و خدمات) و ۲۳۲a (تشویق به سوداگری انسان) به عنوان سوداگری انسان معرفی شد و به این ترتیب، حقوق آلمان از ۱۹ فوریه ۲۰۰۵ تأثیرپذیری خود از اسناد بین‌المللی به‌ویژه پروتکل پالرمو و کنوانسیون ورشو در ارتباط با تعریف سوداگری انسان را آشکار کرد [۱۲، ص ۱۹۵-۱۹۷].

در ایران، از آن رو که حسب آموزه‌های اسلامی و فقهی، سوداگری انسان به منظور بهره‌کشی جنسی یا کار ممنوع است و می‌تواند حسب مورد از مصادیق فحشا و ترویج آن و



مخالف کرامت و آزادی انسان (و لاتکن عبد غیرک و قد جعلک ا... حرا) قلمداد شود، انگیزه لازم ایجاد گردید تا با توجه به برخی گزارش‌های بین‌المللی در مورد سوداگری دختران و زنان ایرانی در برخی کشورها و تأیید آن توسط سازمان‌های دولتی [۲۸، ص ۷۲] و گروه‌های بیطرف [۲۹، ص ۵۵-۶۰]، با نگرش به آموزه‌های حقوق بشر- با وجود تردید در پیوند شایسته بین آن و آموزه‌های اسلامی- تحت تأثیر تحولات بین‌المللی و بالمآل حفظ حیثیت جمهوری اسلامی ایران، با در نظر گرفتن ماده ۳ پروتکل پالمو عنوان‌های «قاچاق انسان» و «اعمال در حکم قاچاق انسان» در قانون مبارزه با قاچاق انسان پیش‌بینی شد. قانون مزبور (مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸) در ماده ۱ و ۲ تلاش کرده سوداگری انسان را تعریف کند. ماده ۱ مقرر می‌کند: «قاچاق انسان عبارت است از:

الف) خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده، به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی کردن یا فراهم ساختن موجبات اخفای فرد یا افراد موضوع بند «الف» این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود. ماده ۲ نیز در قالب بندهای «الف» و «ب» در اقدامی نوین به تعریف رفتارهایی پرداخته که از آن با عنوان جرم در حکم قاچاق انسان یاد می‌شود و مقرر می‌کند: اعمال زیر در حکم «قاچاق انسان» محسوب می‌شود:

الف) تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده ۱ این قانون باشد.

ب) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان‌یافته برای فحشا یا سایر مقاصد موضوع ماده ۱ این قانون، هر چند با رضایت آنان باشد.

ج) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشا، هرچند با رضایت آنان باشد.

بنابراین، جرم سوداگری انسان در کشور آلمان و ایران با تأثیرپذیری از اسناد فراملی،

مثل پروتکل پالرمو تعریف و تنظیم شده [۸، ص ۲؛ ۲۸، ص ۷۰] و شامل سوداگری به منظور بهره‌کشی جنسی و کار و خدمات است. قانون آلمان برخلاف قانون ایران، سوداگری اعضا و اندام‌های بدن را مشمول عنوان سوداگری انسان نمی‌داند [۱۲، ص ۲۱۲]؛ ولی هر دو قانون به سوداگری کودکان و اشخاص زیر ۱۸ سال (در ایران) و زیر ۲۱ سال (در آلمان) توجه کرده‌اند و در این موارد، وفق قانون جزای آلمان، ماده ۲۳۲ قابل استناد است و وضعیت کودکی بزه‌دیده موجب تشدید مجازات مرتکب را فراهم می‌آورد. در ایران در مورد سوداگری داخلی برخی بر این باورند که به استناد ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، اگر بزه‌دیده شخص زیر ۱۸ سال است، دادگاه می‌تواند به استناد قانون مزبور که مجازات خفیف‌تری را نسبت به قانون مبارزه با قاچاق انسان پیش‌بینی کرده است، حکم کند [۳۰، ص ۱۰۸]. این موضوع، تعقیب سیاست افتراقی در مورد اشخاص زیر ۱۸ سال را تأیید می‌کند.

۳. ماهیت جرم سوداگری انسان از نظر اسناد فراملی، حقوق آلمان و ایران

بخش دوم این مقاله به بررسی ماهیت جرم سوداگری انسان وفق اسناد فراملی و حقوق ایران و آلمان اختصاص دارد. ویژگی‌هایی که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد برخی از وجوه تفاوت و اشتراک نظام‌های حقوقی را با یکدیگر و با اسناد بین‌المللی روشن‌تر می‌کند.

۳-۱. سازمان یافتگی

اصطلاح جرم سازمان‌یافته^۱ ابتدا توسط ساترلند در سال ۱۹۲۴ در کتاب *اصول جرم‌شناسی* به قلمرو حقوق کیفری وارد شد [۲۱، ص ۱۴] و از نظر بسیاری از جرم‌شناسان و حقوقدانان در آن ویژگی‌هایی همانند تشکیلات و ساختار سازمانی و پی‌جویی منافع مادی و اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که آقای ژان بوریکان معتقد است: آن جرمی است که شاخص تدارک و ارتکاب آن تشکیلاتی روش‌مند است که اغلب برای میانشان امکان‌ات معاش ایجاد می‌کند [۳۲، ص ۳۱۶]. اینترپل نیز آن را شامل هر گروهی می‌داند که از ساختار واحد پیوسته‌ای برخوردار است و هدف اصلی آن، تحصیل پول از طریق فعالیت‌های غیرقانونی غالباً مبتنی بر تهدید و فساد است [۳۱، ص ۲۰].



کنوانسیون جرم سازمان‌یافته فراملی، صریحاً آن را تعریف نکرده است و در بند a از ماده ۲ گروه سازمان‌یافته جنایی را گروه تشکل یافته‌ای می‌داند که حداقل از ۳ نفر تشکیل شده و برای مدت زمان معینی وجود داشته است و هدفش اقدام هماهنگ برای ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این کنوانسیون و به منظور کسب مستقیم یا غیر مستقیم منافع مالی و یا دیگر منافع مادی است. بنابراین، به استناد کنوانسیون مزبور برخی از مهم‌ترین شاخص‌های جرم سازمان‌یافته عبارتند از: وجود تشکیلات، تعدد افراد، قصد تحصیل منافع مالی و مادی، و استمرار زمانی.

وفق ماده ۲۷، این کنوانسیون به وسیله یک یا چند پروتکل تکمیل می‌شود؛ اما پیوستن به پروتکل‌ها منوط به پیوستن به کنوانسیون است. به علاوه وفق بند ۴ ماده ۳۷ کنوانسیون مزبور و ماده ۱ پروتکل پالرمو، هر پروتکل تکمیلی - همچون پروتکل پالرمو- با توجه به کنوانسیون تفسیر خواهد شد [۲۴، ص ۲۹]. افزون بر این، ماده ۴ پروتکل تصریح می‌کند که اجرای پروتکل در مورد جرائمی است که توسط یک گروه سازمان‌یافته جنایی انجام شود. بنابراین، جرم سوداگری انسان مورد نظر کنوانسیون و پروتکل پالرمو، جرمی سازمان‌یافته است [۲۴، ص ۲۴ و ۳۰] و قواعد و ترتیبات کنوانسیون و پروتکل پالرمو در مورد جرم سوداگری انسان در فرضی قابل اجرا است که واجد ویژگی سازمان یافتگی باشد. با وجود این، وفق ماده ۲۴/۲ کنوانسیون ذکر شده، دولت‌ها اجازه دارند در حقوق ملی خود جرائم مقرر در کنوانسیون، از جمله جرم سوداگری انسان را مستقل از وصف سازمان یافتگی پیش‌بینی کنند؛ اگرچه دور از نظر نیست که سوداگران انسان اغلب توسط یک گروه جنایی سازمان‌یافته و به عبارت دیگر در شبکه‌های جرم سازمان‌یافته اقدام می‌کنند [۸، ص ۱۸].

با آن‌که کنوانسیون اقدام علیه سوداگری انسان شورای اروپا، تحت تأثیر پروتکل پالرمو تنظیم شده است، ولی کنوانسیون مزبور حسب آنچه از جمله در تصمیم راهبردی مورخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۲ آن شورا راجع به مبارزه با سوداگری انسان مشاهده می‌شود، جرم مزبور را برخلاف پروتکل پالرمو، مرتبط با جرم سازمان‌یافته ارزیابی و تعریف نکرده است [۲۴، ص ۵۲] و برای رفع هر گونه ابهام در ماده دوم پیش‌بینی کرده است:

این کنوانسیون در مورد تمام اشکال سوداگری انسان اعمال خواهد شد... خواه مرتبط با جرم سازمان‌یافته باشد یا نه. کنوانسیون مزبور با پیش‌بینی تدبیری راهگشا، تر، دخالت

سازمان جنایی را موجب تشدید مجازات مرتکبین معرفی می‌کند (بند ۴ ماده ۲۴). بنابراین، مطابق کنوانسیون ورشو، دخالت سازمان جنایی در عملیات سوداگری انسان از کیفیات مشدده مجازات محسوب [۳۳، ص ۱۸۷] و با عدم دخالت سازمان جنایی نیز جرم سوداگری انسان محقق می‌شود [۱۶، ص ۲۱۰] تا اگر در مواردی سوداگران، نه به شکل سازمان‌یافته، بلکه به طور عادی و حتی از جانب نزدیکان به قربانی اقدام کنند نیز رفتار آن‌ها با عنوان سوداگری انسان منطبق شود [۸، ص ۱۸]. قانون مجازات آلمان در اصلاحات سال ۲۰۰۵ و در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ تحقق جرائم سوداگری انسان برای بهره‌کشی جنسی یا کار و خدمات را موکول به دخالت سازمان جنایی نکرده است، ولی در هر سه مورد سوداگری انسان برای بهره‌کشی جنسی (۲۳۲) و بهره‌کشی کار (۲۳۳) و تشویق به سوداگری انسان (۲۳۳a) با پیش‌بینی بند ۳ ماده ۲۳۲ و بند ۳ ماده ۲۳۳ و بند ۳ ماده ۲۳۳a، در مواردی که مرتکب، عضو باند یا گروهی است که برای ارتکاب مستمر چنین جرائمی با مشارکت سایر اعضا با یکدیگر متحد شده‌اند، مجازات را تشدید کرده است. به عبارت دیگر، دخالت یک گروه جنایی در جرائم مزبور، کیفیت تشدیدکننده مجازات معرفی شده است [۲۷، ص ۱۱۷].

در ایران تأثیر کنوانسیون و پروتکل پالرمو در فرایند تدوین و تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان را نمی‌توان رد کرد، ولی نمی‌توان جرم سوداگری انسان مقرر در ماده ۱ قانون مزبور را جرمی سازمان‌یافته قلمداد کرد؛ اما بند «ب» ماده ۲ آن تحت عنوان «اعمال در حکم قاچاق انسان» رفتارهای مجرمانه‌ای را پیش‌بینی کرده است که امکان دارد با رضایت قربانی همراه شود، اما چون به گونه سازمان‌یافته انجام می‌شود به عنوان جرم در حکم قاچاق انسان قابل تعقیب و مجازات است.

باید اذعان کرد جرم سازمان‌یافته در قوانین کیفری ایران تعریف نشده و قانونگذار ایرانی مفهوم و چارچوب حقوقی یا حتی مصادیق آن را روشن نساخته است و نظریات برخی از حقوقدانان [۳۴، ص ۲۳۶-۲۴۷؛ ۳۵، ص ۶۸-۶۹] نیز برای دادرسان الزام‌آور نیست. به نظر می‌رسد اگر مفهوم جرم سازمان‌یافته را با نوعی مدیریت جرم که با دخالت یک گروه و تشکیلات جنایی محقق می‌شود نزدیک کنیم، مفهوم جرم سازمان‌یافته و جرم بانندی یا گروهی (مثل جرم مقرر در تبصره ۴ مصوبه تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری) بر همدیگر منطبق می‌شوند. با قبول این نظر، قانون مبارزه با قاچاق انسان، جرم سوداگری انسان را اصولاً



سازمان یافته نمی‌داند و به همین دلیل آن را در ماده ۱ قانون ذکر شده پیش‌بینی نکرده است. اما بند «ب» ماده ۲ قانون، رفتارهایی را مقرر کرده است که از نظر منطبق قانون اولاً نامشروع است، مثل فحشا و یا حتی ازدواج صوری و ثانیاً ممکن است با رضایت قربانی همراه شود؛ اما ویژگی سازمان یافتگی آن، اقدام مرتکب را قابل تعقیب می‌کند. به عبارت دیگر در این فرض، سازمان‌یافتگی جرم، تأثیر رضایت قربانی جرم را مخدوش می‌سازد.

ویژگی انتقال، حمل یا عبور دادن مجاز نیز نافی مسؤولیت مرتکبان نیست؛ زیرا در فرایند سوداگری انسان اقدامات مرتکبین ممکن است به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که عبور شخص از مرز یا اقامت فرد در قلمرو کشور، خلاف قوانین جاری نیست و با پوشش قانونی و مشروع صورت می‌گیرد [۸، ص ۱۸]؛ اما چون مرتکبین با سازماندهی اقدام و مقاصد نامشروعی را دنبال می‌کنند، رفتار آن‌ها با عنوان «سوداگری سازمان‌یافته انسان» منطبق و مشمول قانون مبارزه با قاچاق انسان می‌شود؛ ولی اقدامات مشروعی، مثل اهدای عضو یا حتی ازدواج، چون اولاً ممنوع و غیر مجاز نیست با عنوان سوداگری انسان منطبق نیست و ثانیاً چون اقدام فردی است، سازمان‌یافته قلمداد نمی‌شود.

بنابراین، اگرچه بند «ب» ماده ۲ از قانون مبارزه با قاچاق انسان تأثیرپذیری آشکارتری از کنوانسیون پالمو دارد، اما وجه شایسته آن است که مسؤولان سیاست جنایی ایران بررسی و تصویب کنوانسیون جرم سازمان‌یافته فراملی و پروتکل مربوط را توسط مجلس شورای اسلامی مورد اهتمام جدی‌تر قرار دهند تا گام‌های عملی مؤثرتری در مقابله با این پدیده شوم در پرتو همکاری با سایر کشورها فراهم شود و قانون مربوط نیز با نگرش به مبانی آن در کنوانسیون مزبور مورد تفسیر و تحلیل قرار گیرد.

۳-۲. فرامرزی بودن

جهانی شدن اقتصاد و تسهیل ارتباطات بین‌المللی، استفاده از فناوری‌های نوین، سود سرشار فعالیت‌های نامشروعی چون قاچاق و فساد، ناکارآمدی برخی حکومت‌ها، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی برخی جوامع، امکان فرار از چنگال عدالت و... موجب شده که رفتارهای مجرمانه و سودآوری چون سوداگری انسان و آثار آن از قلمرو یک کشور فراتر رفته و مرزهای بین‌المللی را پشت سر گذارد. به همین علت، کنوانسیون جرم سازمان‌یافته و پروتکل

پالرمو به جرم مزبور ماهیتی فرامرزی^۱ می‌دهد؛ به این معنا که رفتار مادی جرم سوداگری انسان در بیش از یک قلمرو سیاسی انجام می‌شود یا آن‌که جرم توسط گروه‌های جنایتکاری انجام می‌گیرد که در بیش از یک کشور فعالیت جنایی و نامشروع دارند یا آثاری در بیش از یک کشور معین بر جا می‌گذارد. بند ۲ ماده ۳ کنوانسیون مزبور مقرر می‌دارد: یک جرم ماهیتاً فرامرزی است اگر:

- ۱- در قلمرو بیش از یک دولت ارتکاب یابد؛
- ۲- در سرزمین یک دولت ارتکاب یابد؛ اما بخش مهمی از تدارک، طرح‌ریزی، هدایت یا کنترل آن در کشور دیگری واقع شود،
- ۲- در سرزمین یک دولت، ولی توسط یک گروه سازمان‌یافته جنایی ارتکاب یابد که در بیش از یک دولت به فعالیت‌های جنایی می‌پردازد؛
- ۳- در قلمرو یک دولت ارتکاب می‌یابد، اما آثار مهمی در دولت دیگر دارد.

از نظر کنوانسیون و پروتکل آن، سوداگری انسان اصولاً در بیش‌تر موارد، ماهیت فرامرزی دارد، اما این امر دلالتی بر انجام این جرم با عبور از مرز یک کشور ندارد؛ زیرا ممکن است رفتار مادی این جرم در قلمرو یک دولت انجام گیرد، ولی آثار اقتصادی و اجتماعی در دولت دیگری ایجاد کند که این حالت نیز به جرم مزبور ویژگی فرامرزی می‌دهد. به عبارت دیگر، از نظر اسناد فراملی مزبور، سوداگری داخلی (در قلمرو یک کشور معین) یا فراملی (با عبور از مرز) می‌تواند از ماهیت فرامرزی و فراملی برخوردار شود؛ زیرا ارتکاب آن در یک قلمرو معین ممکن است آثار سوئی در کشور دیگری بر جا گذارد و به ویژگی فراملی و فرامرزی توصیف شود. در مقابل این نظر، برخی جرم سوداگری انسان مورد نظر پروتکل را بر «عامل عبور از مرز» استوار می‌کنند [۳۰، ص ۱۰۶] و تعریف آن‌ها از این جرم با دیگران متفاوت می‌شود [۸، ص ۲].

کنوانسیون راجع به اقدام علیه سوداگری انسان شورای اروپا، هر گونه تردید را رفع و در ماده دو صریحاً کنوانسیون مزبور را در مورد همه اشکال سوداگری انسان، اعم از ملی و فراملی قابل اجرا می‌داند [۱۶، ص ۲۱۰].

در آلمان، قانون جزای سال ۱۹۹۲ در ماده ۱۸۱ به موضوع «درماندگی شخصی که از یک کشور خارجی آمده است» برای ارزیابی موضوع بهره‌کشی از قربانی و نه یک پیش شرط

1. transnational



لازم برای سوداگری انسان اشاره می‌کند [۲۶، ص ۱۷۴]. قانون جزای اصلاحی سال ۲۰۰۵ نیز آسیب‌پذیری قربانیان را بیش از قانون ۱۹۹۲ برجسته کرد؛ ولی هر دو قانون تفاوتی میان سوداگری داخلی و فراملی انسان برقرار نکرده‌اند. از نظر حقوقدانان آلمانی، قانون سال ۲۰۰۵ شامل سوداگری داخلی و فراملی است [۱۲، ص ۲۰۵-۲۰۶]. بنابراین، شهروندان آلمانی در داخل کشور خود نیز قربانی سوداگری انسان واقع می‌شوند؛ ولی بیشتر قربانیان سوداگری انسان از خارج و مثلاً از کشورهای چکسلواکی، رومانی یا اکراین برای کار یا روسپیگری به این کشور وارد شده‌اند [۹، ص ۱۵؛ ۲۷، ص ۱۲۱]. حسب گزارش اداره پلیس جنایی آلمان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴، بین ۴۷ تا ۷۰ درصد قربانیان به طور قانونی وارد آلمان شده‌اند و در سال ۲۰۰۵ قربانیان داخلی، دومین گروه بزرگ از قربانیان را تشکیل می‌داده‌اند [۸، ص ۱۷]. به باور برخی از حقوقدانان آلمانی، پلیس و دستگاه‌های مسؤول از قربانیان سوداگری داخلی بیشتر غفلت کرده‌اند [۸، ص ۱۸؛ ۱۲، ص ۲۰۶].

در ایران، قانون مبارزه با قاچاق انسان در ماده ۱ سوداگری انسان را جرمی فراملی می‌داند که تحقق آن فقط با عبور از مرز است و به این ترتیب، ماده ۱ قانون موصوف از میان فروض چهارگانه کنوانسیون پالمو با فرض اول ماده ۳ آن منطبق است که وصف «فراملی» جرم سوداگری انسان را با رفتار مادی عبور از مرز محقق می‌داند. در این حالت الزاماً یکی از سه نقطه مبدأ، معبر و مقصد سوداگری، ایران است که فارغ از ملیت قربانی یا مرتکب و به استناد ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، چون حداقل جزئی از جرم در خاک ایران واقع می‌شود، قانون و دادگاه ایران صالح است. به همین علت برخی این جرم را با انجام رفتار مادی عبور از مرز منطبق کرده‌اند [۳۶، ص ۲۶۹]. وفق نظر مزبور، نقل و انتقال افراد در داخل کشور به قصد اهداف مذکور در قانون موصوف، منطبق بر این قانون نیست و اصلاح قانون به ترتیبی که همه اشکال آن را فرا گیرد، موجه است [۳۰، ص ۱۰۶].

ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان به رفتارهای مجرمانه دیگری به نام «اعمال در حکم قاچاق انسان» اشاره و آن‌ها را به ترتیب زیر مقرر کرده است: «الف) تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده ۱ این قانون باشد؛ ب) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان‌یافته برای فحشا و یا سایر مقاصد موضوع ماده ۱ این قانون، هرچند با رضایت آنان باشد؛ ج) عبور

دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل و یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشا، هرچند با رضایت آنان باشد».

ممکن است گفته شود در ماده مزبور، برخلاف ماده ۱، قانونگذار عبارت «مرزهای کشور» را صریحاً مقرر نکرده است و لذا مقرر مزبور جرائم در حکم قاچاق انسان را همانند قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (سوداگری اطفال و کودکان)، فراملی و فرامرزی معرفی نکرده و نقل و انتقال افراد در داخل کشور و به قصد اهداف مزبور نیز منطبق با عنوان جرائم در حکم قاچاق انسان است و قانونگذار در دو قانون یادشده، سوداگری داخلی را نیز پذیرفته است [۲۸، ص ۸۳ و ۱۱۷].

به نظر می‌رسد این نظر با تفسیر واقعی و منطقی قانون موصوف مخالف است؛ زیرا اولاً قانونگذار در ماده ۱ جرم سوداگری انسان را فرامرزی معرفی کرده و به عنصر عبور از مرز به عنوان عنصری که در سایر موارد نیز اصولاً قابل استفاده است، اشاره کرده، و ثانیاً عبارات به کار رفته در بند «ب» و «ج» ماده ۲ قانون موصوف نیز بر عنصر عبور از مرز و پذیرش جرائم در حکم سوداگری خارجی دلالت دارد، زیرا کلمات عبور دادن، خارج یا وارد ساختن و عبارت ترانزیت با عبور از مرز مرتبط است. به علاوه، قانونگذار به موضوع مجاز یا غیرمجاز بودن نیز تصریح کرده و روشن است که عبور، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز در داخل کشور بی‌معنا است و این تعابیر تنها در فرضی قابل اجرا است که قربانی از نقاط مرزی کشور (هوایی، آبی، زمینی) عبور کند؛ زیرا عبور، حمل و انتقال افرادی که در کشور حضور دارند اصولاً مجاز است،^۱ مگر آن‌که عبور از مرز و نیز حمل و انتقال توسط افراد مختلفی انجام شود که مسؤلیت هر یک از افراد عبوردهنده از مرز و منتقل‌کننده به طور جداگانه و با عناوین خاص مجرمانه قابل بررسی است.

قانون مبارزه با قاچاق انسان، جرائم مربوط به سوداگری انسان را اصولاً مبتنی بر عبور از مرز تنظیم کرده است و سوداگری داخلی را با عناوین دیگر مجرمانه منطبق می‌داند. این ترتیب، قابل قبول نیست. در سوداگری انسان، انسان و شخصیت و کرامت او مورد معامله قرار می‌گیرد و قربانی با این تجارت معمولاً از خانواده و محیط فرهنگی و

۱. همچنانکه در مورد کالاها و اجناس، اصطلاح قاچاق کالا مبتنی بر عنصر عبور کالا و جنس از مرزهای کشور و بطریق غیر قانونی است.



اجتماعی‌اش منتقل می‌شود و عبور از مرز ضرورتی ندارد. بنابراین، شایسته است قانونگذار قانون را به نحوی تنظیم کند که همه اشکال سوداگری از جمله سوداگری داخلی را هم تحت حکومت خود درآورد. در عمل نیز در سراسر جهان، بیش‌تر موارد سوداگری انسان در داخل مرزهای ملی واقع می‌شوند [۸، ص ۱۷].

۳-۳. نقض حقوق بشر

سوداگری انسان، همانند بردگی، نقض حقوق بشر توصیف می‌شود [۴، ص ۲۳۰؛ ۸، ص ۱۴، ۲۹، ۳۰؛ ۲۳، ص ۱۸۶]. این توصیف متضمن دو برداشت است که اشاره به آن‌ها ما را در شناخت بیش‌تر ماهیت جرم سوداگری انسان یاری می‌کند:

الف) جنایتی شدید و غیرانسانی

جرم سوداگری انسان نقض حقوق بنیادین بشر و رفتاری غیرانسانی است که از اولین مراحل شروع فرایند آن یعنی انتقال بزه‌دیده تا آخرین مراحلش که بهره‌کشی از او است برجسته‌ترین حقوق انسانی و شأن و حیثیت او پایمال هوس‌های خودخواهانه سوداگرایان و گروه‌های جنایی می‌شود. گزارش‌ها از رفتار بسیار غیرانسانی سوداگرایان با قربانیان پرده بر می‌دارد. آدم‌ربایی، زدن چشم‌بند، بستن دست و پاها، تجاوز به زنان و دختران، حبس در محل‌ها یا کانتینرهای مخصوص، اجبار به روسپیگری و ضبط درآمد آن، تهدید به صدمه به بزه‌دیده و خانواده او و... بخشی از این رفتارهای ناشایست است. اگر سوداگری انسان، همانند بردگی، نقض حقوق بشر قلمداد می‌شود از مهم‌ترین دلایل آن، محدودیت یا محرومیت از بسیاری حقوق و ارزش‌هایی است که به‌ویژه اسناد حقوق بشر برای انسان‌ها به رسمیت شناخته‌اند؛ ارزش‌هایی مثل خودمختاری افراد یا انتخاب آزاد، حق کار و اشتغال، تمامیت جسمانی، منع اعمال تبعیض، حق زندگی، حق آزادی و امنیت، آزادی از شکنجه و رفتارهای پست و غیرانسانی، حق بر سلامتی، و حق بر آزادی تحرک و اقامت [۲۳، ص ۱۸۵]. به همین دلایل جرم مزبور همچنانکه مابین آموزه‌های اسلامی است [۳۷، ص ۲۱-۲۴] در تعارض با ارزش‌های حقوق بشر و حیثیت انسانی است. توصیف مزبور این سؤال را برای حقوقدان ایجاد می‌کند که تفاوت میان قتل و سرقت با سوداگری انسان چیست؟ قتل و سرقت نیز به ترتیب منافی حق حیات و حق مالکیت است، ولی آن‌ها را به عنوان یک جرم - نه نقض حقوق بشر- توصیف می‌کنند و سوداگری انسان نیز از این جهت تفاوتی با جرائم مزبور

ندارد و رفتاری است که به موجب قانون جزایی، جرم و قابل مجازات است. مخاطب اصلی موازین و ارزش‌های حقوق بشر، دولت‌ها هستند، نه افراد تا گفته شود که بزه‌دیده به استناد حقوق بشر و به خاطر نقض یکی از ارزش‌های آن، از سوداگر شکایت می‌کند. به عبارت دیگر، دولت‌ها و نه افراد، وظیفه و قدرت اجرای موازین و ارزش‌های حقوق بشر را در اختیار دارند و ذات و ماهیت حقوق بشر دولت‌ها را به خاطر قصورشان در حمایت از حقوق اشخاص بزه‌دیده وادار به پاسخگویی می‌کند که به این موضوع، «اجرای عمودی حقوق بشر» گفته می‌شود [۳۸، ص ۱۲۴-۱۲۶]. اما برخی از حقوق‌دانان که از اعمال افقی موازین حقوق بشر بین افراد استقبال می‌کنند در تأیید آن به برخی از اسناد اروپایی، مثل کنوانسیون ورشو استناد می‌کنند [۳۹، ص ۱۶۰]. اما حقوق‌دانان و نهادهایی چون شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، این امر را در وضعیت فعلی امکان‌پذیر نمی‌دانند و مسؤلیت فرد را براساس قانون کیفری و حداکثر شبه‌جرم ارزیابی می‌کنند [۲۳، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ ۴۰، ص ۱].

بنابراین، سوداگری انسان اگرچه نقض حیثیت انسانی و رفتاری مغایر شئون و ارزش‌های عالی حقوق بشر است، اما در این باره برداشت دیگری نیز مطرح می‌شود که به‌ویژه به مسؤلیت دولت‌ها در حمایت از حقوق قربانیان جرم توجه می‌کند.

ب) مسؤلیت دولت‌ها در رابطه با سوداگری انسان

ارتباط دادن سوداگری انسان با حقوق بشر به ملاحظه برجسته کردن مسؤلیت مستقیم دولت‌ها به عنوان مخاطبان اصلی حقوق بشر است. از این منظر، هدف حقوق بشر وادار کردن دولت‌ها به پاسخگویی در قبال حمایت از افراد در فرض قصور آن‌ها است؛ زیرا دولت‌ها قدرت و وظیفه حمایت از افراد را بر عهده دارند و قصور در اتخاذ اقدامات مناسب در رابطه با سوداگری انسان، نقض حقوق بشر و مستند به دولت‌ها است، نه سوداگران؛ زیرا مسؤلیت مرتکبین بر مبنای قانون کیفری و حداکثر شبه‌جرم تعیین می‌شود و نقض حقوق بشر در روابط افراد با همدیگر قابل استناد نیست [۲۳، ص ۱۹۳]. بر مبنای این برداشت، ارزش‌ها و الزامات حقوق بشر، وظایف و همزمان محدودیت‌هایی را در ارتباط با سوداگری انسان بر دولت‌ها تحمیل می‌کند. وظایف اصلی دولت‌ها در این مورد عبارتند از: پیشگیری، احترام، حمایت و تأمین (اجرا). این وظایف دولت‌ها را به عنوان مخاطبین اصلی حقوق بشر، به جرم‌انگاری سوداگری انسان و تعقیب مرتکب، احترام به حقوق انسانی بزه‌دیده و حمایت



از او و نیز تعیین و تدوین نهادها و مقرراتی که بزه‌دیده بتواند به مدد آن‌ها حمایت شود و حقوق خود را استیفا کند، متعهد می‌سازد [۸، ص ۳۳].

در سال ۲۰۰۲ کمیسیونر عالی سازمان ملل، اصول و راهبردهای پیشنهادی و در عین حال غیرالزامی را در مورد حقوق بشر و سوداگری انسان که بر امر پیشگیری، حمایت و کمک و مساعدت^۱ تأکید می‌کند، منتشر و در قسمت اصول مقرر کرده است: «حقوق بشر اشخاص بزه‌دیده در مرکز همه تلاش‌ها برای پیشگیری و مبارزه علیه سوداگری انسان است» [۴۱] و در قسمت راهبرد مقرر داشته: «نقض حقوق بشر، هم سبب و هم نتیجه سوداگری انسان است» تا بدین وسیله بر اقدامات مناسب دولت‌ها علیه سوداگری انسان و حمایت از بزه‌دیده تأکید کند. به طور کلی می‌توان وظایف حقوق بشرمدارانه دولت‌ها در مورد سوداگری انسان را به شرح زیر برشمرد:

۱- پیشگیری از سوداگری در کشورهای مبدأ و توجه به علل جرم و موضوعاتی از قبیل حق آموزش و دسترسی به بازار کار، حمایت از زنان علیه خشونت و کاهش تبعیض علیه زنان و نژادهای خاص؛

۲- سامان‌دهی فرایند مهاجرت در بسیاری از کشورهای مقصد به ترتیبی که قوانینی که سوداگری انسان را با قراردادن بزه‌دیده در وضعیت وابستگی تسهیل می‌کنند، الغا شود. همچنین اقداماتی اتخاذ شود که امکان مهاجرت قانونی کارگران را فراهم کند یا کنترل‌های مرزی به گونه‌ای انجام گیرد که آثار تبعیض‌آمیز بر گروه‌های خاص، مثل زنان جوان نداشته باشد؛

۳- فراهم کردن فرصت و موقعیت اعمال کامل حقوق از جمله حق کار برای بزه‌دیده؛

۴- تعقیب کیفی مؤثر مرتکبین در همه اشکال آن و با انجام دادرسی عادلانه و حمایت از قربانی در طول فرایند دادرسی با تأمین حق خلوت قربانی و جلوگیری از دوباره قربانی شدن او. در این حالت باید حقوق قربانیان جرم، مستقل از مشروعیت اقامت آن‌ها یا امکان همکاری آن‌ها با پلیس مد نظر قرار گیرد؛

۵- برنامه‌ریزی مناسب برای بازگشت قربانی به وطن خود و حتی‌المقدور اجرای شیوه برگشت ارادی شخص به وطنش و پرهیز از هرگونه خشونت [۸، ص ۴۱-۴۵].

1. Assistance

حقوقدانان تعهدات فوق را به بسیاری از معاهدات بین‌المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، پروتکل پالرمو و... مستند کرده اند؛ ولی باید از اسناد اروپایی، به‌ویژه کنوانسیون ورشو یاد کرد که برخلاف تصور پروتکل پالرمو در الزامی ساختن حقوق بزه‌دیدگان جرم سوداگری انسان، شأن ویژه‌ای برای ارزش‌های حقوق بشری و حقوق قربانیان قائل شده است [۸، ص ۳۵؛ ۲۴، ص ۳۱-۳۲].

بنابراین، وظیفه دولت‌ها در پیشگیری، کنترل و سرکوب سوداگری انسان، به‌ویژه حمایت از بزه‌دیدگان در پرتو آموزه‌های حقوق بشر، اهمیت ویژه‌ای دارد و کوتاهی دولت‌ها در این مورد با عنوان نقض حقوق بشر، می‌تواند موجبات مسؤلیت بین‌المللی آن‌ها را مطرح کند.

در آلمان، قانون مجازات اصلاحی سال ۱۹۹۲، جرم سوداگری انسان را به بهره‌کشی جنسی محدود و آن را نقض «خودمختاری جنسی» قلمداد می‌کرد؛ ولی قانون مجازات اصلاحی ۲۰۰۵ تحت تأثیر اسناد فراملی، مثل پروتکل پالرمو، آن را در فصل ۱۸ و مربوط به جرائم علیه آزادی‌های شخصی قرار داد و به این ترتیب از آموزه‌های حقوق بشری برخوردار شد [۴، ص ۱۹۵-۱۹۷].

در حقوق ایران، جرم سوداگری انسان بر مبنای رویکرد امنیتی قانونگذار، «جرمی علیه امنیت ملی» به شمار می‌آید [۲۸، ص ۹۲] و آموزه‌های حقوق بشر در تدوین قانون مبارزه با قاچاق انسان، سهم برجسته‌ای را ایفا نمی‌کند و بدین علت، تمهیدات و تدابیر ویژه‌ای برای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان در قانون مزبور پیش‌بینی نشده است و قربانی گاهی به عنوان مرتکب رفتار مجرمانه تعقیب می‌شود. در سیاست جنایی تقنینی ایران، تعقیب مرتکبین جرم، راهبرد ویژه‌ای است که فارغ از راهبردهای مؤثر دیگر، همچون حمایت از قربانیان جرم، پیگیری شده و بدیهی است توجه به آموزه‌های اسلامی و انسانی، بازنگری و اصلاح رویکرد مزبور را موجه می‌سازد.

۴. نتایج و پیشنهادها

جرم سوداگری انسان، شامل رفتارهای گوناگون مجرمانه‌ای است که بر سودای انسان به منظور بهره‌کشی از او استوار است. جرم مزبور در پرتو عناصر سه گانه (۱) رفتار (شامل استخدام، حمل و نقل، انتقال، مخفی کردن یا دریافت اشخاص)؛ (۲) وسیله (شامل تهدید، زور،



اجبار و آدم‌ربایی، تقلب، فریب، سوءاستفاده از قدرت یا وضعیت آسیب‌پذیری یا دادن یا گرفتن وجه یا پول یا منافع برای به دست آوردن رضایت شخصی که بر دیگری کنترل دارد) و (۳) هدف (شامل بهره‌کشی جنسی، کار یا سایر خدمات اجباری، بردگی، اعمال مشابه بردگی، بندگی و برداشتن عضو) شناخته می‌شود. از نظر پروتکل پالرمو، سوداگری انسان جرمی سازمان‌یافته و به‌ویژه با توجه به نحوه وقوع یا آثار زیانبار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن در کشورهای دیگر، جرمی فراملی است. در سطح اروپا، کنوانسیون ورشو در مورد سوداگری انسان با آن‌که از پروتکل پالرمو تأثیر پذیرفته، اما به نحوی جامع‌تر جرم سوداگری انسان را شامل همه اشکال آن، از جمله داخلی و خارجی و سازمان‌یافته و غیر آن می‌کند. این مسلك مورد تبعیت قانون جزای اصلاحی سال ۲۰۰۵ آلمان نیز قرار گرفت. قانون مبارزه با قاچاق انسان ایران، جرم مزبور را در ماده یک با عبور قربانی از مرز محقق می‌داند؛ اما اصولاً آن را سازمان‌یافته تعریف نمی‌کند و فقط در بند «ب» ماده ۲ آن، یکی از اقسام جرائم در حکم قاچاق انسان را «سازمان‌یافته» معرفی می‌کند.

جرم سوداگری انسان به دلیل آن‌که در فرایند انجامش، همچون بردگی، بسیاری از حقوق بنیادین قربانی پایمال می‌شود، نقض حقوق بشر قلمداد می‌شود؛ ولی ارتباط سوداگری انسان با حقوق بشر به این محدود نمی‌شود، زیرا حقوق بشر وظایف و همزمان محدودیت‌هایی را برای دولت‌ها در مبارزه با سوداگری انسان ایجاد می‌کند که به‌ویژه می‌توان از پیشگیری از سوداگری، جرم‌انگاری سوداگری انسان و تعقیب سوداگران و همچنین حمایت از بزه‌دیدگان نام برد، به گونه‌ای که امروزه محور اقدامات علیه سوداگری انسان، حقوق بشر قربانی جرم است تا این حقوق دو بار، اول توسط سوداگران و بار دیگر توسط دولت‌ها نقض نشود. بدیهی است قصور دولت‌ها در اتخاذ اقدامات مناسب در مورد سوداگری و حمایت از قربانیان جرم، به عنوان نقض حقوق بشر، منجر به مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف خواهد شد. کنوانسیون ورشو و پروتکل پالرمو به وظایف دولت‌ها در مورد مبارزه با سوداگری انسان تصریح کرده‌اند، ولی کنوانسیون ورشو نسبت به پروتکل پالرمو قواعد مناسب‌تر و الزام‌آوری را در مورد حمایت از قربانیان جرم سوداگری انسان پیش‌بینی کرده است. قانون جزای اصلاحی سال ۲۰۰۵ آلمان تحت تأثیر آموزه‌های حقوق بشری، جرم سوداگری انسان را نقض آزادی‌های شخصی می‌داند. در ایران، قانون مبارزه با قاچاق انسان، جرم مزبور را

بیش‌تر تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی و به ملاحظه امنیت ملی و حیثیت بین‌المللی کشور تنظیم کرده‌است و در آن، تدابیر ویژه‌ای برای حمایت از بزه‌دیده جرم سوداگری انسان پیش‌بینی نشده‌است؛ ولی در حقوق آلمان، پاره‌ای قواعد حمایتی برای قربانیان پیش‌بینی شده‌است. با توجه به آنچه نگاشتیم، موارد زیر که بخصوص در نظام حقوقی ما قابل اجرا است، پیشنهاد می‌شود:

۱- حقوق بشر روز به روز اعتباری والا می‌یابد، اما در نظام حقوقی ما و در تدوین مقررات جزایی، موقعیت شایسته‌ای را تصاحب نکرده‌است. این نادیده‌انگاری که گاهی به ملاحظه مراعات موازین شریعت اسلامی انجام می‌گیرد ناروا است؛ زیرا حداقل در بسیاری از موارد امکان جمع بین آموزه‌های شرعی و حقوق بشر منتفی نیست، اما تحقق این مهم نیازمند کنکاش و تعمق بیشتر و پرهیز از سطحی‌نگری است و شایسته است که مسئولان سیاست جنایی این وظیفه مهم را به کارشناسان مبرز واگذار کنند. از این رو به نظر می‌رسد در سطح قوه تقنینی کشور، تشکیل یک کمیسیون داخلی مستقل تحت عنوان «کمیسیون حقوق بشر» ضروری است و گر نه بهتر است کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس با نام و صلاحیت جدید در تحقق این وظیفه خطیر مساعدت کند.

۲- کنوانسیون جرم سازمان‌یافته و پروتکل الحاقی آن در مورد سوداگری انسان، از جمله با هدف همکاری و مساعدت دولت‌ها به یکدیگر برای مبارزه و کنترل جرم سازمان‌یافته و سوداگری انسان تصویب شده است که نمایندگان دولت ایران نیز در بررسی و تصحیح طرح اولیه آن اهتمام داشته‌اند. با توجه به این‌که تصویب و اجرای پروتکل پالرمو بدون تصویب کنوانسیون جرم سازمان‌یافته امکان‌پذیر نیست و نظر به این‌که در برخی موارد میان بردگی و سوداگری انسان ارتباط است و دولت ایران کنوانسیون تکمیلی الغای بردگی را در سوم اسفندماه ۱۳۳۷ در مجلس شورای ملی تصویب کرده، لذا شایسته است کنوانسیون جرم سازمان‌یافته و پروتکل الحاقی آن بعد از بررسی عمیق، توسط قوه قانونگذاری ایران مورد تصویب قرار گیرد.

۳- نظر به این‌که در ادبیات فارسی از کلمه قاچاق بیشتر در مورد کالاها و اجناس استفاده شده است و این‌که در برخی زبان‌ها مثل زبان عربی، معادل عبارت human trafficking از عبارتی استفاده می‌شود که با تجارت و داد و ستد انسان مترادف است، همچون «الاتجار



بالبشر» در زبان عربی، پیشنهاد نگارنده آن است که ترجیحاً از عبارت «سوداگری انسان» به جای «قاچاق انسان» استفاده شود.

۴- انتخاب عناوین جرم قاچاق انسان و جرائم در حکم قاچاق انسان در قانون مبارزه با قاچاق انسان ضرورتی ندارد و قانونگذار می‌تواند هماهنگ با تعریف سوداگری انسان در پروتکل پالمو، جرم مزبور را تعریف کند و ضمن پرهیز از برخی ایرادات وارد بر پروتکل پالمو، همچون کنوانسیون ورشو و حقوق آلمان، جرم سوداگری انسان را شامل همه اشکال آن، اعم از سازمان‌یافته یا غیر آن و اعم از داخلی و خارجی کند. بدیهی است سازمان‌یافتگی می‌تواند همچون مقررات جزایی برخی کشورها، مثل آلمان در کنار برخی کیفیات دیگر از موارد تشدید مجازات جرم سوداگری انسان محسوب شود.

۵. فهرست منابع

- [1] Braspenning, Cindy, "Human Trafficking in the Netherland", *Intercultural Human Rights Law Review*, Vol.1, 2006.
- [2] Leidholdt, Dorchen A., "Strategies for Combating Human Trafficking Within The United States, Canada And Mexico", *Intercultural Human Rights Law Review*, 1, 2006.
- [3] Hodge David R., "Sexual Trafficking In the United States: A Domestic Problem with Transnational Dimensions", *Social Work*, 53, 2008.
- [4] Skrivankova, Klara, "Combating Trafficking in Human Beings", *International Review of Law Computers*, 1 & 2, 2006.
- [5] Europol, *Trafficking in Human Beings in the Euopen Union*, available at: www.Europol.Europa.Eu/Publications/Serious_Crime
- [6] Name S. Jennifer, " The Case of the Missing Case: Examining the Civil Right of Action for Human Trafficking Victims", *Columbia Law Review*, Vol. 107, 2007.
- [7] Jones, Loring and Engstrom W.David and Hilliard, Tricia and Diaz, Mriel, "Globalization and Human Trafficking", *Journal of Sociology & Social*

- Welfare, 2, 2007.
- [8] Follmar-Otto, Peter, And Rabe, Heike, *Human Trafficking in Germany*, German Institute for Human Rights, Berlin, 2009.
- [9] Louise Herz, Amnette, *Trafficking in Human Beings, An Empirical on Criminal Prosecution in Germany*, Max Planck Institute for Foreign and International Criminal Law, Freiburg, 2004.
- [10] UNODC, *Trafficking In Persons: Global Patterns*, 2006.
- [11] Belser, Patrick, *Forced Labour and Human Trafficking: Estimating the Profits*, International Labour. Organization, Geneva: Ilopublication, 2005.
- [12] Morehouse, Christal, *Combating Human Trafficking*, Vs-Verlag, Berline, 2009.
- [13] Laczko, Frank, Klekowski Von Koppenfels, Amanda, Barthel, Jana, *Trafficking in Women from Central and Eastern Europe: A Review of Statistical Data*, International Organization for Migration(Iom), Geneva, 2002.
- [14] Troshynski, Emily I. And Blank, Jennifer K., "Sex Trafficking: An Exploratory Study Interviewing Traffickers", *Trends Organ Crim* , 11, 2008.
- [15] Council of the European Union, *Proposal for A Directive... on Preventing and Combating Trafficking in Human Beings....*, 2010.
- [16] Raffaelli, Rosa," The European Approach to the Protection of Trafficking Victims" , *German Law Journal*, 3, 2009.
- [17] UNODC, *Global Report on Trafficking in Person*, Vienna, 2009.
- [18] UNODC, *Trafficking In Persons; Analysis on Europe*, Vienna, 2009.
- [۱۹] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد راستاد، ۱۳۶۳.
- [۲۰] معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۸.
- [۲۱] انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
- [۲۲] اشتری، بهناز، قاجاق زنان: بردگی معاصر، تهران، انتشارات اندیشه برتر، ۱۳۸۰.
- [23] Piotrowicz, Ryszard, "The Legal Nature of Trafficking in Human Beings", *Intercultural Human Rights Law Review*, 4, 2009.



- [24] Drew, Sandhya, *Human Trafficking- Human Rights*, Legal Action Group, London, 2009.
- [25] Council of Europe, *Explanatory Report on The Council of Europe Convention on Action Against Trafficking in Human Beings*, Warsaw, 2005.
- [26] Niesner, Elvira Pauly, Christian Jones, *Trafficking in Women in Europe*, Kleine Verlag GmbH, Bielefeld, 2002.
- [27] Bose, Martin, *The Evaluation of European Criminal Law, Trafficking in Human Beings in Germany*, Iee(Institute d'Etudes Europeennes), Roxelles, 2009.
- [۲۸] ذاقلی، عباس، *قاچاق انسان*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- [۲۹] سازمان دفاع از قربانیان خشونت، *قاچاق زنان و کودکان و راهکارهای قانونی مبارزه با آن*، ۱۳۸۲، ص ۵۵-۶۰.
- [۳۰] حبیب زاده، محمدجعفر، مقدسی، محمدباقر، جعفری دولت آبادی، عباس، «قاچاق انسان در حقوق کیفری ایران»، *مجله مدرس علوم انسانی- پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، س ۱۳۸۸، ش ۴، ص ۱۰۶، ۱۰۸.
- [۳۱] معظمی، شهلا، *جرم سازمان‌یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن*، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲۰.
- [۳۲] نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *بزهکاری سازمان‌یافته در حقوق کیفری فرانسه*، مجله تحقیقات حقوقی، س ۱۳۷۷، ش ۲۲-۲۱، ص ۳۱۶.
- [33] Gallager, Anne, "Recent Legal Developments in the Field of Human Trafficking", *European Journal of Migration and Law*, 8, 2006.
- [۳۴] میرمحمدصادقی، حسین، *حقوق جزای بین‌الملل*، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷، ص ۲۳۶-۲۴۷.
- [۳۵] نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حبیب‌زاده، محمدجعفر، شمس ناتری، محمدابراهیم، «جرم سازمان‌یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزا»، *مجله مدرس علوم انسانی*، س ۱۳۷۹، ش ۱۷، ص ۶۸-۶۹.
- [۳۶] سلیمی، صادق، «قاچاق انسان و مبارزه با آن در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه علمی و

پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۱۳۸۷، ش ۲۶، ص ۲۶۹.

- [37] Matter, Mohammed, *Combating Trafficking in Persons in Accordance with the Principles of Islamic Law*, Office on Drugs and Crime, United Nations, Newyork, 2010.
- [38] Tomuschat, Christian, *Human Rights, Between Idealism and Realism*, Oxford University Press, Newyork, 2008.
- [39] Obokata, Tom, *Trafficking of Human Beings from A Human Rights Perspective*, Martinus Nijhoff Publisher, Leiden, 2006.
- [40] United Nations Human Rights Committe, General Comment No. 31, *Nature of the General Legal Obligation...*, Geneva, 2004 (Ccpr/C/21/Rev.1/Add. 13-26 May 2004).
- [41] Recommended Principles and Guidelines on Human Rights and Human Trafficking, available at: www.unhcr.org/other-R-P-G-Hr-Htth-En.Pdf.